

حکایت ایران امروز با سردی و رکود

از سال‌های میانی حاکمیت رضاشاه، یعنی از سالهای نخست دهه ۱۳۱۰ شمسی با کمتر شدن نسبی تعداد جراید منتشره و همچنین نزول کیفی مفاد آنها که خود را به صورت کاهش چشمگیر مطالب سیاسی و اجتماعی و افزایش آگهی‌های ثبتی و رسمی دولت (یعنی مهمترین در آمد و تنها علت وجودی بسیاری از آنها) نشان می‌داد، کاملاً آشکار شد که بحرانی جدی مطبوعات ایران را فرا گرفته است. بی‌علاقگی عمومی و دشواریهای مالی گسترده‌ای که اکثر جراید را فرا گرفت، یکی از مهمترین وجوه این بحران بود. آنچه مدتی یکی از جراید محلی گیلان در ۱۳۱۴ نوشته، توصیف گویایی است از وضعیت کلی جراید ایران هر آن روزگار: «ده سال است که جراید کوچکترین مخبری را بدون اطلاع شهربانی درج نمی‌کنند... فقط عایدات جراید ولایات و دوام آنها از محل اعلانات ثبت بوده، آن هم روز به روز در تقلیل... و می‌افزاید... عرضم این است که اگر جزو لاینفک اداره شهربانی هستیم هر چه عایدات جریده است مال آنها، به ما حقوق بدهند»^۱

در چنین وضعیتی دو راه بیش در پیش روی نبود. یکی لحظه‌ای درنگ و تأمل و بررسی علل و عواملی که به پیش آمدن وضعیت فعلی منجر گردیده بود؛ مسیری که لاجرم به موضوع سانسور و استبداد و ضرورت آزادیهای سیاسی و مدنی جهت اعاده پویایی و خلّاقیت اجتماعی و لهنذا شکوفائی مجدد مطبوعات راه می‌برد. و دیگری حل و فصل این معضل به همان شیوه‌ای که از بدو تشکیل حاکمیت پهلوی، برای حل و فصل دیگر مسائل کشور در پیش گرفته شده بود؛ یعنی تعیین مصلحت

دولت از سوی هیئت حاکمه و تمرکز و هدایت تمام امکانات میسر و موجود در این مسیر. و لازم به توضیح نیست که راه دوم در پیش گرفته شد. بحرانی چون فروپاشی شهریور بیست لازم بود تا امکان و ضرورت اندیشیدن به دیگر راه‌های تحول و توسعه بر کشور تحمیل گردد.

در آغاز سعی شد از طریق اقداماتی چون تشکیل جلسات مشترکی از مدیران جراید و رؤسای فرهنگ ولایات، یا تصویب قوانین و آئین نامه‌های جدیدی در باب روزنامه‌ها (اردیبهشت ۱۳۱۷)، چهره مطبوعات کشور دگرگون گردد،^۲ ولی تنها با تشکیل سازمان پرورش افکار در زمستان همان سال بود که این امر وجه عملی و مشخصی یافت.

در سالهای آخر حکومت رضاشاه، که به زعم دستگاه حاکم بسیاری از اصلاحات و تحولات زیر بنایی کشور به انجام رسیده و مملکت در مسیر تعالی قرار داشت، آنچه کمبودش محسوس و چشمگیر بود، تشکیلاتی بود برای «پرورش و راهنمایی افکار عمومی» و برای رفع چنین نقیصه‌ای بود که در زمستان ۱۳۱۷ سازمان پرورش افکار^۳ تأسیس شد. از جمله وظایف اساسی این سازمان، تشکیل کمیسیونی بود جهت اصلاح مطبوعات کشور.

در خلال جلسه‌ای که اواخر بهار ۱۳۱۸، با حضور علی اصغر حکمت کفیل وزارت فرهنگ و سرپاس مختار ریاست شهربانی کل کشور، برای رسیدگی به وضع روزنامه‌های تهران در وزارت کشور تشکیل شد، مقرر گردید مجله ماهیانه‌ای نیز به قطع بزرگ و به صورت مصور منتشر گردد. این مجله که ضرورت انتشارش به تأیید شاه نیز رسید^۴ نمونه مجسم و مشخصی است از کل توانایی‌های فکری و تبلیغاتی حکومت در معرفی و توجیه دستاوردهای عصر پهلوی و لہذا بررسی جوانبی چند از سر گذشت این نشریه نه تنها از لحاظ تاریخ مطبوعات، که از نظر روش‌تر شدن گوشه‌هایی از بحران تجدید نیز مفید است.

بر اساس مفاد اساسنامه‌ای که برای این مجله تدوین شد وزارت کشور ضمن آن که تعهد می‌کرد از این نشریه «در هر مورد حمایت کرده، بقای آن را تأمین» کند، تصویب بودجه و رسیدگی به محاسباتش را نیز بر عهده گرفت، ولی مواردی چون انتخاب و استخدام کارمندان و دیگر موارد اداری مجله را بر عهده مدیر آن محول داشت.^۵ با این حال نخست وزیر ضمن تأیید این پیشنهادات چون مناسب نمی‌دید مجله مزبور «رسماً و علناً» جزو وزارت کشور قرار گیرد، طی مصوبه‌ای که به نام ریاست وزرا صادر کرد موارد ارائه شده را پذیرفت.^۵

اگر چه در اسناد موجود از کمیسیون مطبوعات سازمان پرورش افکار هدف از انتشار چنین نشریه‌ای بیان نشده است، ولی با انتشار نخستین شماره آن که تحت نام ایران امروز به سرپرستی محمد حجازی (مطبع الدوله) در اسفند ۱۳۱۷ منتشر گردید، آشکار شد که در واقع چنانچه در اشاره به اهداف سخنرانی‌های پرورش افکار آمده بود، هدف «... تلطیف عواطف و ارشاد و علاقه مند کردن افراد

از سال‌های
میانی حاکمیت
رضاشاه، کاملاً
آشکار شد که
بحرانی جدی
مطبوعات ایران
را فرا گرفته
است.

کشور به زندگانی نوین و برانگیختن احساسات ملی آنها... است. ^۲ مفاد شماره های بعدی نیز تاییدی بر این امر بود.

در هر شماره از مراسمی چون افتتاح یکی از ایستگاههای راه آهن، تولد شاه یا ولیعهد، نمایشگاه های سالانه کالای ایران، جشنهای فارغ التحصیلی دانشکده جنگ، سالروز کودتای سوم اسفند... و دیگر مراسم و آیینهایی که می توانست با تصاویری چند توأم شود، گزارشهایی منتشر می شد. آشنایی با صنایع نوپا و دیگر موسسات اقتصادی کشور چون کارخانه های بلورسازی، سیمان، چای، و دخانیات... نیز از جمله مواردی بود که با عکس و تفصیلات مقتضی در هر شماره ایران امروز منتشر می شد. در کنار این گزارشهای روز، سعی می شد تصاویری از مجد و عظمت گذشته ایران نیز معرفی شود. در واقع چنین به نظر می آید که سعی بر آن بوده میان دو ایران «دیروز» و «امروز» پیوندی مستقیم ترسیم گردد. تأکید بر ایران باستان بود و دستمایه اکثر مقالات این بخش نیز که بیشتر به قلم افرادی چون مهدی بهرامی، محمد تقی مصطفوی و حسین بصیری نوشته می شد، اشیاء گردآوری شده در موزه ایران باستان بود. بررسی های عالمانه ابراهیم پورداوود را نیز در باب مباحثی چون دستاویز و فروردین و خرمستر... باید در همین مقوله دید. سلسله مقالاتی در باب ابنیه و مساجد اصفهان و

شماره دوم و سوم

سال نخست

ایران امروز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
ناحیه ماهانه

اردیبهشت و خرداد ۱۳۱۸

محمدحجاری

دائرة امتیاز

همچنین شیراز و دیگر جاها و نوشته هایی نیز در باب هنر نقاشی یا فرشبافی ایران در این دوره بیانگر آن بود که دوران پس از اسلام نیز فراموش نشده است.

گذشته از این موارد که در بخش «علاقه مند کردن افراد کشور به زندگانی نوین و برانگیختن احساسات ملی آنها» جای می گرفت، دیگر نوشته های ایران امروز را می توان تحت عنوان «تلطیف عواطف و ارشاد» مذکور طبقه بندی کرد. نوشته هایی که بیش از آن که مانند مقاله ها و گزارشهای تبلیغاتی فوق الذکر ویژه ایران امروز باشند، نمونه هایی بودند از سبک و سلیقه روز که در مجلات دیگر آن دوره نیز مانند مهر یا باختر به وفور یافت می شدند؛ قطعات ادبی محمد حجازی و رشید یاسمی، بررسیهای تاریخی - ادبی عباس اقبال و سعید نفیسی، سلسله مقالات مفصلی در باب ادبیات معاصر جهان از فاطمه سیاح و نوشته هایی نیز از دکتر قاسم غنی و محمود صنعایی و رضا زاده شفق ...

با این که در آغاز کار، یعنی به هنگام تدوین اساسنامه مجله، حتی با خوشبینی بسیار پیش بینی شده بود که «درآمد» ایران امروز ... به مصرف بهبودی مجله و دیگر بنگاه های آن برسد^۷ ولی از همان مراحل اولیه روشن شد که نه تنها در آمدی در کار نیست بلکه اگر تمام شماره های مجله به فروش رسد و در آمد مورد نظر از لحاظ آگهی های تجاری نیز تامین گردد، هنوز هزینه چاپخانه می بایست از جای دیگر تامین شود و لهذا تقاضا شد و امی معادل ۳۰۰۰۰۰ ریال از سوی وزارت دارایی به مجله پرداخت گردد.^۸ ولی وزارت دارایی نه تنها با پرداخت این وام موافقت نکرد زیرا «هیچ راهی جهت کمک خارج از بودجه» نداشت بلکه با استمهال طلب چاپخانه مجلس از مجله نیز موافقت نکرد.^۹

در این میان با بروز عواملی چون گرانی فزاینده کاغذ^{۱۰} و بویژه عدم استقبال عمومی از چنین مجله ای، ادامه انتشار ایران امروز یا دشواریهای جدی مواجه شد. حتی مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریالی که بانک ملی به تضمین شخص سرپاس مختار برای ادامه انتشارش وام داده بود نیز کار ساز نگردید^{۱۱} لهذا ریاست وزرا رسماً دست به کار شد؛ نخست در اواسط تیران ۱۳۱۸ به تمام استانداری ها و فرمانداری های کشور بخشنامه شد که لااقل برای جلب مشترک به تعداد همان نمونه هایی که جهت آنها ارسال شده بود اقدام کنند و «نتیجه را مستقیماً به اینجانب اطلاع بدهید که به عرض برسد». ^{۱۲} سپس بعد از چند روز در اواخر همان ماه - و ظاهراً در پی بی نتیجه بودن متحد المال اول - نخست وزیر بخشنامه مفصلتر و مشخصتری در این زمینه به تمام وزارتخانه ها و ادارات مستقل دولتی ارسال داشت. در این بخشنامه پس از اشاره به اهمیت «مجلات مصور» بعنوان «یکی از وسایل موثر برای شناساندن ترقیات و حیثیات کشور در داخله و خارجه» و این که «در تمام دول متقدم از این گونه مجلات دائر و برای بسط و تکمیل آن اقدامات جدی می شود» بر تمام افراد «روشن فکر» واجب دانست که «... برای کمک به تعمیم

مقرر گردید
مجله ماهیانه ای
منتشر شود با
هدف «...
تلطیف عواطف
و ارشاد و
علاقه مند کردن
افراد کشور به
زندگانی نوین و
برانگیختن
احساسات ملی
آنها...»

فرهنگ بین اهالی و آشنا کردن آنها و کلیه مردم جهان به ترقیات و حیثیات روز افزون کشور در حفظ این مجله کوشیده، خودشان مشترک بشوند و دیگران را به اشتراك ترغیب نمایند. ولی چون نخست وزیر به خوبی نسبت به بی اثر بودن چنین توصیه هایی آگاه بود در مقام محکم کاری برآمده و در ادامه مطلب از تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی خواست نام و نشان کلیه کارمندانی را که در سراسر کشور حقوقشان به هزار ریال می رسید اطلاع دهند تا مجله برای آنها ارسال شده و حق الاشتراك آن نیز از حقوقشان کسر و مستقیماً به دفتر مجله ارسال شود.^{۱۳}

چندی بعد حجازی طی نامه ای به نخست وزیر ضمن ابراز رضایت از تلاشهای وزارتخانه های کشور، فرهنگ و دادگستری در زمینه جلب مشترک، اظهار داشت که وزارتخانه های تلگراف، پسته و هنر، بازرگانی، کشاورزی و اداره شهرداری «هنوز اقدامی به عمل» نیاورده اند.^{۱۴} نخست وزیری مجدداً با ابلاغ بخشنامه ای به دوایر دولتی موضوع جلب اشتراك را پی گرفت؛ وزارت پسته و هنر پاسخ داد که تا کنون ۲۵ نفر از رؤسا و کارمندانش قبول اشتراك کرده اند.^{۱۵} وزارت کشور نیز گزارش کرد که ۲۶۰۰ شماره برای شهرستانها تخصیص داده و به هر یک از فرماندارها دستور موکد داده شد مطابق تعدادی که معین گردیده مشترک تهیه و معرفی نمایند. و پیشنهاد کرده بود که وزارتخانه ها و مؤسسات دیگر نیز برای فروش باقی شماره ها به طریق زیر اقدام کنند:

وزارت دادگستری توسط کانون وکلای اداره های تابعه، صاحبان دفاتر و غیره ۲۰۰ مشترک بیابند؛ وزارت بازرگانی توسط اطاقهای بازرگانی یا مستقیماً ۲۰۰ مشترک در میان تجاریابند؛ شهرداری تهران نیز توسط اصناف مختلف شهر برای جلب ۶۰۰ مشترک اقدام کنند.^{۱۶} در حالی که نخست وزیری مراتب فوق را به وزارتخانه های دارایی، بازرگانی و اداره شهرداری ابلاغ کرد^{۱۷} از وزارت امور خارجه نیز خواست «فعلاً یکصد نسخه از مجله ایران امروز را مشترک و به تناسب کشورها و علاقه آنها نسبت به ایران جهت سفارتخانه های ایران و کشورهای همسایه... بفرستد»^{۱۸}.

در باب واکنش جامعه در قبال این مجله، گذشته از عدم استقبال عمومی که تلاش همه جانبه دولت جهت جلب مشترک بیابانگر آن ابدیت و به مورد دیگری می توان اشاره کرد. فرخ دین پارسای طی نامه ای به نخست وزیر با اشاره به تجارب سی ساله اش در امور مطبوعاتی و این که «... در حقیقت روزنامه ها و مجلات را به منزله اولاد و اقربان خانواده خود می شناسد...» نوشت: «... چون هر عائله داری راضی نیست که افراد عائله اش را در پستی و تکلیفی و سر بار دیگران ببیند، البته به فدوی حق می دهید که نسبت به بخشنامه آن جناب راجع به تحمیل مجله ایران امروز به کارمندان دولتی که اکثر آبیگانه و بی علاقه به مطبوعات هستند جسارتاً استدعا کند که این توهین را نسبت به مطبوعات روا ندارید...» و در عوض پیشنهاد کرد که ایران امروز در ارتقاء کیفیت و جذابیت خود بکوشد تا به اینگونه اقدامات نیز احتیاجی نگردد.^{۱۹} با آن که کم بودند افرادی چون فرخ دین پارسای که جسارت به خرج داده و مکتون قلبی خویش را ابراز دارند ولی صرف ابراز چنین آرائی نیز کار ساز نبود و مورد توجه قرار نگرفت. با آن که روشن بود رویه ای که دولت در این زمینه اتخاذ کرده است بی نتیجه می باشد،

ولی در روال کار تغییراتی حاصل نشد. هنوز چند صباحی بیش از این اقدامات و اختصاص پاره‌ای کمک‌های مالی به ایران امروز نگذشته بود که شکوه و شکایت محمد حجازی از «نرسیدن کمک از محل‌های مختلف» و امکان ناپذیر بودن ادامه وضع آغاز شد. وی از نخست‌وزیر استدعا کرد... اگر صلاح بدانند قضیه را در هیئت وزرا مطرح فرموده، قرار قطعی به این کار بدهند والا باید از انتشار مجله صرف‌نظر نمود.^{۲۰} شماره پنجم سال دوم، پس از مدتی تأخیر و به صورت دو شماره در یک نسخه بالاخره با کاغذ و مقوایی که از سوی شهربانی و وزارت دارایی به چاپخانه مجلس تحویل شد در تابستان ۱۳۱۹ منتشر گردید.^{۲۱} ولی از آنجایی که درخواست‌های دیگر حجازی از نخست‌وزیر جهت اتخاذ قرار قطعی، در این باب مؤثر واقع نشد^{۲۲} کار به مقامات بالاتر کشید و در مرداد ۱۳۱۹ از سوی دفتر «پیشکاری ولایت عهد» حسب الامر به منصور نخست‌وزیر وقت ابلاغ شد در مورد... نواقص و اشکالاتی [که] برای انتشار مجله ایران امروز در پیش می‌باشد... هر گونه... اقدامی که لازم است برای رفع آنها به عمل آورند و نتیجه را هم اعلام دارند که به عرض پیشگاه مبارک برسد.^{۲۳} دو روز بعد نیز اداره کل شهربانی طی نامه‌ای به نخست‌وزیر ضمن تأکید بر توجه شاه نسبت به ایران امروز اعلام داشت... فرمان مطاع ملوکانه چنین شرفصدور یافته است که کسر هزینه آن پرداخته شود...^{۲۴} این بار علی منصور با تکیه به «فرمان مطاع مبارک شاهانه و طبق اوامری که از پیشگاه والا حضرت همایون ولایت عهد» صادر شده بود، از وزارت دارایی صریحاً خواست... با مجله مزبور از هر جهت مساعدت‌های کافی به عمل آمده و ترتیبی داده شود که بطور منظم منتشر شده و از جهت کاغذ و چاپ و گروار و غیره همه گونه اصلاحات لازم در آن بشود... دستورالعملی نیز که در این زمینه صادر کرد تأکید مجددی بود بر اجرای دقیق پیشنهادات قبلی، ولی با شدت عمل بیشتر زیرا... بدیهی است تا وقتی مردم به مزایای مجله آشنا نشده و شخصاً داوطلب اشتراک آن نگردند، لازم است از طرق وزارتخانه‌ها و اداره کل شهربانی... تشویقی برای تهیه مشترکین و آگهی به عمل آید و این تشویق روزهای اول بایستی تا آن اندازه‌ای الزامی باشد... و این که مثلاً وزارت دارایی نوشته تعدادی از کارمندان خود را به اشتراک تشویق نموده است کافی نیست، بلکه باید همانگونه که قبلاً دستور داده شده بود... قدغن فرمایند صورت کلیه کتلی که در وزارت دارایی و بنگاه‌های اقتصادی و بانک‌ها و غیره بیش از یک هزار ریال حقوق و پیمان‌های دریافت می‌دارند به دفتر مجله بفرستند تا برای آنها مجله فرستاده شود و اداره‌های حسابداری موظف باشند در سه یا چهار قسط مبلغ اشتراک را از حقوق کارمندان کسر کرده به اداره مجله بدهند... به وزارت کشور نیز فرمان داده شده بود که به استانداران و فرماندارها دستورات لازم را ابلاغ کرده و... شهرداریها را موظف نمایند که با کمک اداره شهربانی صاحبان بنگاه‌های عمومی را از قبیل گاراژ و مسافرخانه، رستوران و همچنین سلمانی و پزشک و داروخانه‌ها را وادار به اشتراک مجله نمایند... بعلاوه از دارایی خواسته شد که ۲۷۵۰۰۰ ریال کسری مخارج ایران امروز در سال ۱۳۱۸ را نیز تأمین نماید.^{۲۵}

وزارت دارایی ضمن مأمور ساختن یکی از کارمندان اداره کل بودجه برای رسیدگی به مسائل مالی ایران امروز^{۲۶} از اداره کارگزینی خواست صورت اسامی کارمندانی را که بیش از ۱۰۰۰ ریال حقوق داشتند برای دفتر مجله ارسال دارد.^{۲۷} جالب آن است که با تمام این تفصیلات به نظر می آید که حتی نخست وزیری نیز به لزوم انتشار چنین نشریه ای معتقد نبوده است و حتی در یک مرحله نیز به مدیر ایران امروز پیشنهاد کرد که «... بجای مجله ماهیانه سالی یک یا دو رساله به قطع مجله ایران امروز یا کمی کوچکتر، دارای یکصد و پنجاه صفحه به سه زبان فرانسه، انگلیسی و آلمانی ۴۰۰۰ برای شناساندن کشور شاهنشاهی به بیگانگان و نمایاندن فعالیت دولت در عرض سال» منتشر کند.^{۲۸} مع هذا احتمالاً نظر به تأکید و توجه ملوکانه و نیمه ملوکانه فوق الذکر، انتشار ایران امروز به همان سبک و با همان مشکلات ادامه یافت.

وزارتخانه ها حدود ۳۰۰۰ مشترک برای ایران امروز دست و پا کرده و مطبع الدوله حجازی امیدوار بود که تا پایان ۱۳۱۹ نیز حدود ۱۰۰۰ نفر مشترک دیگر فراهم گردد، مع هذا با احتساب سایر درآمدها نیز مجله هنوز برای اتمام دوره انتشار سالانه خود به حدود ۱۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی محتاج بود و حتی امکان انتشار یک شماره دیگر را نیز نداشت.^{۲۹} حجازی طی نامه ای به وزیر دارایی ضمن اشاره به حصول نتیجه عکس «... مقصودی که از انتشار آن برای نمایاندن ترقیات کشور و بزرگ کردن حیثیات ملی خودمان در نظر بیگانه داریم ۴۰۰۰، از او استدعا دارد که این مجله را در زیر حمایت مستقیم و همت وجود محترم گرفته ... تا از تعطیل مجله جلوگیری شده در بهبودی آن اقدام مؤثر بشود.»^{۳۰} ولی امیر خسروی وزیر دارایی وقت پخته تر از آن بود که چنین بساطی را «زیر حمایت مستقیم و همت وجود خود قرار دهد.

در اردیبهشت ۱۳۲۰ حجازی طی یکی دیگر از شکوایه های خود از نخست وزیر خواست ضمن رسیدگی به اعمال آن دسته از فرمانداران کشور که در فروش و جلب اشتراك مجله کوتاهی کرده بودند از آنها بخواهد ضمن معرفی مشترکین محلی، خودشان اخذ و ارسال حق الاشتراك را تعهد نمایند تا مشکلات مالی مجله کمتر شود.^{۳۱} با آن که نخست وزیری خواسته های حجازی را به وزارت کشور ابلاغ کرد،^{۳۲} نه تنها تغییری ایجاد نشد، بلکه اداره اطلاعات و آمار وزارت کشور در پاسخ به ابلاغیه مزبور، ضمن اشاره به تمام تلاشهایی که در جلب مشترک انجام شده بود، خود مجله را در این امر

مقصر دانست: «... باید اعتراف کرد که اقدام مؤثر در پیشرفت انتشار مجله باید از طرف کارکنان اداره مجله به عمل آید. زیرا علاوه بر این که مجله باید حاوی مقالات سودمند و موضوعات جالب باشد، در ترتیب پخش آن هم باید دقت کافی به عمل آید. بیشتر مشترکین شهرستانها از نرسیدن یا دیر رسیدن مجله شکایت دارند، و یا به علت عدم استفاده از مندرجات آن از قبول شماره های بعدی اعتذار جسته اند...»^{۳۳} و خلاصه کلام آن که، جز ارتقاء کیفیت مجله راه حل دیگری وجود نداشت.

نخست وزیر از
تمامی
وزارتخانه ها و
ادارات دولتی
خواست نام
کلیه کارمندانی
را که حقوقشان
به هزار ریال
می رسید اطلاع
دهند تا مجله
برای آنها ارسال
شده و حق
الاشتراک از
حقوقشان کسر
شود.



فهرست

خواجه نوری	دو تانایانایه زنگنه	زیوند حایرون
ظاهر زاده	شیر جبین	آرامش
---	وزش - کرکوش روحیت بخش	مقام شتر وازی
---	در ماه آلوده بخت و خرماد ۱۳۱۸	هر کتای وادیو
حیرت افروز درون بیستم	رشته پاسی	پیش شای بلند
آدم مصوری در دانشگاه بیوتورک	محمد حجازی	طریقه حفظ آثار ملی
پیش نامر انگلیس از کوری خود بیاید	دکتر و نمازاده شرف	زندگی هر هون
جزیره که جاک مار پیتک	ذبیح الله سنا	کلیسیون تدابیر
پیشاهنگ	---	تمرینهای سوخته با تنظیمات علمی
---	---	وزش ایرانی
فاطمه سیاح	زن و هنر	سنا
---	---	گشایش باسین دوره دانشگاه سلا

پروژه کلان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

البته مطبع الدوله حجازی خود نظر دیگری داشت؛ به اعتقاد وی یک مجله تبلیغاتی می‌بایست صرفاً به مواردی چون ترجمه حال بزرگان و شرح اشیاء موزه باستان و توصیف صنایع قدیم و جدید اختصاص می‌یافت و از پرداختن به... مقالات بهداشت و خانه داری و کشاورزی و شوخی و کاریکاتور و حوادث جنگ و مُد و معما و عجایب و غرایب و اینگونه مطالب که مورد رغبت خوانندگان عمومی است اجتناب... ورزد و از همه مهمتر آن که به نظر او... مجله تبلیغی را باید به رایگان یا به قیمت خیلی ارزان داد تا مقصود حاصل شود و گرنه تحمیل کردن مجله به اشخاص و کارمندان دولت نتیجه به عکس می‌دهد... مع هذا عملاً باز هم جز تحمیل مجله به کارمندان دولت راه حل دیگری پیشنهاد نمی‌کند. ولی این بار لابد با احتساب نرخ تورم، خواستار آن است کارمندانی که بیش از ۱۵۰۰ ریال حقرق دارند مشترک شده و حسابداری‌ها مسئول وصول حق الاشتراك گردند.^{۳۳}

«آقای
نخست وزیر
نسبت به
بخشنامه آن
جناب راجع به
تحمیل مجله
ایران امروز...
جسارتاً استدعا
می‌کنم که این
توهین را
نسبت به
مطبوعات روا
ندارید...»

حوادث شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاه بر اینگونه مطالب و اصولاً دور باطلی که بر کل امور کشور حکمفرما بود، پایان نهاد. اگر چه ایران امروز حدود یکسال دیگر نیز به انتشار ادامه داد، ولی با سستی گرفتن نظام حاکم کاملاً روشن بود که زمینه‌ای برای استمرار ندارد. نه تنها از بخش اشتراك تحمیلی خود محروم شد و تمامی آگهی‌های خود را که اکثراً سفارش شرکت‌های تجاری و صنعتی آلمان بودند، از دست داد، بلکه از تمام این موارد مهمتر آن که به هیچ وجه نتوانست خود را با وضعیت جدید کشور منطبق سازد. هفت شماره‌ای که در فاصله مرداد-شهریور ۱۳۲۰ تا فروردین ۱۳۲۱ منتشر شدند، کمتر نشانی از دگرگون شدن وضع کشور در خود دارند. گزارش افتتاح مجلس، مراسم ادای سوگند شاه جدید و سلام نوروز... جایگزین گزارشهای مانور قشون و جشن سالانه پرورش افکار... شد. صنایع مستظرفه ایران باستان و تراوشات قلمی مطبع الدوله و دیگر ادبای وقت، تبعات تاریخی و ادبی استاد پورداوود و اقبالی و انبسی برقرار ماند. البته موازین چون انتشار متن فرمان مشروطیت، چاپ عکس مجسمه فرشته آزادی حیاط مجلس شورا بر روی جلد شماره مهر-آبان ۱۳۲۰، یا انتشار متن سخنرانی نخست وزیر علی سهیلی در یکی دیگر از شماره‌های ایران امروز در مقایسه با دوران آخر حکومت رضاشاه نوعی نوآوری محسوب می‌شد، ولی در مقایسه با عرصه جدیدی که در بروز و رویارویی اندیشه در کشور گشوده شد، جز تلاشی محتضر در تداوم گذشته‌ها چیز دیگری نبود.

در آذر ۱۳۲۰ از سوی دفتر نخست وزیری به کلیه دوایر دولتی ابلاغ شد که «اشترك مجله مزبور به هیچ وجه اجباری نیست و از حقوق کارمندان مرکز و شهرستانها به این عنوان نباید چیزی کسر شود و اگر اشخاصی مایل به اشتراك باشند باید خودشان مستقیماً به مجله مراجعه نمایند...»^{۳۴} چندی بعد نیز وزارت دارایی با تاکید بر... مضیقه بسیار بودجه دولت و گرانی و کمیایی کاغذ که در آئینه نیز گرانتر

خواهد شد... از نخست وزیر خواست که «عجالتاً از چاپ مجله گفته شده صرف نظر نمایند تا با وضعیات و مشکلات کنونی از این حیث خساراتی متوجه دولت نگردد.»^{۳۶} با آن که دکتر عیسی صدیق در مهرماه همان سال یعنی هنگامی که وزارت فرهنگ کابینه فروغی را برعهده داشت با ادامه انتشار ایران امروز نظر موافقی نداشت و بهتر می دانست که «فعلاً عجله ای در چاپ آن مجله نشود... تا بعد تصمیمی راجع به آن گرفته شود»^{۳۷} ولی اینک در مقام ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات در کابینه بعدی فروغی، که سرپرستی کمیسیونهای مختلف پرورش افکار (من جمله کمیسیون مطبوعات آن) را نیز در بر می گرفت، حذف این مجله را «فلج کردن یک عضو تبلیغات» محسوب داشته و با پیشنهاد دارایی مبنی بر تعطیل آن مخالف بود. چنین به نظر می آید که اینک دکتر صدیق نه تنها با انتشار ماهانه ایران امروز موافق بود، بلکه قصد داشت هر سه ماه یک بار شماره مشابهی نیز به زبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی منتشر سازد. لکن در پاسخ نامه نخست وزیر در اشعار توصیه وزارت دارایی، فقط حاضر شد به انتشار دو ماه یک بار آن به چهار زبان فارسی و انگلیسی و روسی و فرانسه رضایت دهد.^{۳۸}

ولی بالاخره ملاحظاتی اقتصادی و مخالفت فزاینده با هر آنچه نشانی از استبداد گذشته داشت - مخالفتی که در ایام چیرگی نظام به صورت بی تفاوتی و عدم استقبال عمومی رخ می نمود و اینک نیز به صورت انتقاد مستقیم - کار ساز واقع شد و علی سبیلی در پاسخ به پیشنهاد مجدد و موکد وزارت دارایی در ضرورت تعطیل نشریه مزبور^{۳۹} ضمن وعده انتشار مجله بهتری «به چند زبان فرانسه و انگلیسی و روسی و عربی و ترکی... که وسیله تبلیغ و معرفی ایران... گردد، با درخواست وزارت دارایی موافقت کرد.»^{۴۰}

تجربه ایران امروز را می توان به عنوان نمونه ای از یک تجربه گسترده تر دوران رضاشاهی در اعمال تجدد و نوآوری در نظر گرفت. همانگونه که برای هیئت حاکمه وقت بدیهی بود که... تا وقتی مردم به مزایای مجله آشنا نشده و شخصاً داوطلب اشتراك آن نگردند لازم است از طریق وزارتخانه ها و اداره کل شهربانی... اقدام شده و «این تشویق روزهای اول بایستی تا اندازه ای الزامی باشد»، اصولاً کل روند توسعه و نوسازی جامعه را نیز به همین دید نگریسته و بنای کار را بر اجبار و الزام نهادند. و مقاومت صریح و روشنی را نیز که در برابر تلاشهای دولت برای جا انداختن این نشریه صورت گرفت، می توان به مثابه نمونه ای از کل مقاومت جامعه در برابر این نوآوریهای اجباری در نظر گرفت. همانگونه که توسعه اجتماعی بدون مشارکت عمومی، و آزادیهای مدنی لازم جهت چنین حضور و مشارکتی با موفقیت شایسته ای توأم نیست، احیاء و «اصلاح» حیات از رمق افتاده مطبوعات

نخست وزیر:
«شهر داریاها
موظفند با کمک
شهربانی
صاحبان
بنگاههای
عمومی را از
قبیل گاراژ و
مسافرخانه،
رستوران و
همچنین
سلمانی و
پزشک و
داروخانه هارا
و ادار به
اشتراک مجله
نمایند.»

آن روزگار نیز امری نبود که به ضرب چند مصوبه و آیین نامه عملی گردد. چنانچه ملاحظه شد حتی تلاش فرهنگی و متکی به تمام امکانات دولت چون تأسیس مجله ایران امروز بعنوان راهگشای «تلطیف عواطف و ارشاد و علاقه مند کردن افراد کشور به زندگانی نوین و برانگیختن احساسات ملی آنها» باشکست مواجه شد.

یکی دیگر از نکاتی که در این بررسی به نظر می آید، ناتوانی کامل دستگاه در شناخت علل کاستی ها و رفع آنها است. کل دستگاه جز تخصیص هر چه بیشتر امکانات و افزایش فشار، هیچ راه و طریق دیگری را متصور نبود. آن محدود دست اندرکاران و صاحب نظرانی نیز که جرات و جسارت آن داشتند که سختی متفاوت از خط مشی حاکم ابراز دارند، «راه‌حلهایی» که عنوان می کردند عملاً از کلی گویی های چند پیرامون ضرورت ارتقاء کیفیت و جذابیت مجله فراتر نمی رفت. در حالی که موفقیت یا عدم موفقیت نشریه ای چون ایران امروز مسئله ای بود که می بایست در چارچوب فضای مطبوعاتی ایران آن روز مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهادهایی چون ارتقاء کیفیت و جذابیت مجله، راه حلی بود که فقط در عرصه ای از تکاپوی طیف وسیعی از نشریات زنده می توانست کار برد یابد. مهمترین علت ناکامی نشریاتی چون مجله ایران امروز آن بود که سعی شده به صورتی جدا و بی ارتباط با کل فضای مطبوعاتی وقت، ارائه گردند. حتی اگر امکاناتی به مراتب بیش از آنچه در توان دولت وقت بود، در اختیار مطبع الدوله حجازی قرار می گرفت، باز هم مشکل عدم استقبال عمومی از این پدیده لاینحل می ماند. همانگونه که اشاره شد عدم موفقیت ایران امروز به عنوان یکی از گان تبلیغاتی، موضوعی بود که فقط در چارچوب کل فضای فرهنگی و سیاسی سالهای آخر دوران رضا شاه، و بویژه سیاستهایی که اصولاً به پیدایش چنین وضعیتی از رخوت و رکود منجر شده بود، امکان بررسی داشت. از آنجایی که هیئت حاکمه توان این بازنگری و ارزیابی لازم را نداشت، عملاً و به رغم تجربه صریح و روشن از ناکامی این طرح، چاره ای جز ادامه این مسیر نادرست در پیش روی ندید و تنها در پی واقعه شهریور بود که لااقل امکان متوقف ساختن این روند میسر گردید.

منابع

- ۱- اسناد مطبوعات، به کوشش کاره بیات و مسعود کوهستانی تواد، تهران سازمان اسناد ملی ایران، ج ۲، ۱۳۷۲، ج ۱، ص چهارده
- ۲- پیشین، ص ص سیزده تا پانزده
- ۳- وزارت کشور به نخست وزیر، شماره ۲۰۷۶۷/۱۵۷۸، مورخ ۱۳۱۸/۳/۹، اسناد مطبوعات، ص ۲۲۰-۲۲۱
- ۴- اسناد مطبوعات، ص ۲۲۱
- ۵- نخست وزیر به وزارت کشور، ۵۵۵۰، ۱۸/۵/۳ [اسناد نخست وزیری، سازمان اسناد ملی ایران، از این پس ۵] ۱۱۶۱۲۲
- ۶- اسناد کمیسیون سخنرانی پرورش افکار، وزارت فرهنگ، سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶ و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ شرکت

سهای چاپ، ص ۲۰۴

- ۷- بنگریده به ماده سوم اساسنامه، اسناد مطبوعات، ص ۲۲۱
- ۸- وزارت کشور به نخست وزیر، ۵۰۷۸۹-۱۲۹۹۴/۱۰/۱۸/۶
- ۹- وزارت دارایی به نخست وزیر، ۲۷۶۵-۱۸/۷/۱۲-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۱۰- بنا بر این گزارش بهای کاغذ در عرض چند روز . . . دو برابر گردیده و کاغذی که چندی پیش هر کیلو شش ریال خریداری می گردید امروز به یازده ریال فراهم نمی شود. . . وزارت کشور به نخست وزیر، ۱۳۱۸/۶/۱۳۲۳۶-۵۷۷۳۵
۱۲. ن- ۱۱۶۱۳۲
- ۱۱- وزارت کشور به نخست وزیر، ۳۷۷۵-۱۳۷۱۵/۲۳/۱۸/۷-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۱۲- نخست وزیر، ۱۰۵۱۲-۱۳/۱۳/۱۳۱۸/۸. اسناد مطبوعات، ص ۲۲۲
- ۱۳- پیشین
- ۱۴- ایران امروز به نخست وزیر، ۱۲۳۰-۱۸/۱۱/۱۷-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۱۵- وزارت پسته و هنر به نخست وزیر، ۵۲۳۳۱-۱۱۹۷۳۶/۱۸/۱۲/۱-۳۰۰۵ ن.
- ۱۶- وزارت کشور به نخست وزیر، ۷۳۱۳۹، ۱۹/۳/۱۳-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۱۷- نخست وزیر به وزارت دارایی [بدون شماره] ۱۹/۳/۲۸ به وزارت بازرگانی، ۷۹۱-۹۵۸۳-۱۹/۳/۶، به
شهرداری، ۲۶۷۶-۱۹/۴/۱-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۱۸- نخست وزیر به وزارت امور خارجه، ۲۹۸-۱۹/۱/۲۲-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۱۹- اسناد مطبوعات، ص ۲۲۲-۳
- ۲۰- ایران امروز به نخست وزیر، ۲۶۰-۱۹/۳/۱-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۲۱- ایران امروز به نخست وزیر، ۳۸۱-۱۹/۴/۱۶-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۲۲- ایران امروز به نخست وزیر، ۳۸۹-۱۹/۲/۱۸-۲۳۷. اسناد مطبوعات، ص ۲۳۷
- ۲۳- پیشکاری ولایت عهد به نخست وزیر، ۲۹۲۰-۱۹/۴/۲۱-۲۳۸. اسناد مطبوعات، ص ۲۳۸
- ۲۴- اداره کل شهرنایی به نخست وزیر، ۳۰۳۶۸-۱۵۸۱۱-۱۹/۴/۲۵. اسناد مطبوعات، ص ۲۳۸
- ۲۵- نخست وزیر به وزارت دارایی، ۲۵۳۲-۱۹/۳/۲۳-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۲۶- وزارت دارایی به نخست وزیر، ۱۸۰۳۶-۱۹/۵/۳-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۲۷- وزارت دارایی به نخست وزیر، ۱۹۱۷۶-۱۹/۵/۲۲-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۲۸- نخست وزیر به ایران امروز، ۵۹۴۸-۱۹/۵/۲۹-۱۱۶۱۳۲ ن.
- ۲۹- ایران امروز به نخست وزیر، بدون شماره و تاریخ. (ج) ۵۸۱۰۵. اسناد مطبوعات، ص ۲۳۰-۲۳۱
- ۳۰- ایران امروز به وزارت دارایی ۱۳۳۹۹-۱۹/۷/۲۲-۱۱۶۱۳۲ (اسناد مطبوعات، ص ۲۳۹-۲۴۰)
- ۳۱- ایران امروز به نخست وزیر، ۲۳۴-۱۳۲۰/۲/۳-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۲- نخست وزیر به وزارت کشور، ۱۳۵۰-۱۳۲۰/۲/۲۲-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۳- وزارت کشور، اداره اطلاعات و آمار به نخست وزیر، ۱۱۲۱۶-۱۰۱۳۱-۱۳۲۰/۲/۱۳-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۴- ایران امروز به نخست وزیر، ۵۶۵-۱۳۲۰/۳/۱۸-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۵- دفتر نخست وزیر، ۱۲۰۵۰-۲۰/۹/۲-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۶- وزارت دارایی به نخست وزیر، ۲۴۱۷۸-۲۰/۱۲/۲۰-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۷- وزارت فرهنگ به نخست وزیر، ۲۲۵۶۵-۲۰/۷/۹-۲۲۵۶۵. اسناد مطبوعات ص ۲۲۳
- ۳۸- اداره کل انتشارات و تبلیغات به نخست وزیر، ۱۷۰۸۸-۲۱/۱/۳۱۱۲۳۰-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۳۹- وزارت دارایی به نخست وزیر، ۲۷۷۷-۲۱/۳/۲-۱۰۳۰۰۵ ن.
- ۴۰- نخست وزیر به وزارت دارایی، ۷۳۱۸-۲۱/۴/۲۱-۱۰۳۰۰۵ ن.